



پنجه‌های پاک

گفت و گوئی در باره حجاب

معصیتی نمی‌کند و هیچ امر و نهی‌ای را از خدا نافرمانی نمی‌کند، پس هرگناهی، اطاعتی است از غیر خدا^۱ هم‌چنین ایشان در ذیل همین آیه سوره لقمان می‌فرمایند: «بر انسان واجب است که در امور دنیوی، نه در احکام شرعی که راه خداست، با پدر و مادر خود به طور پسنذیده و متعارف مصاحبت کند ... نه خلاف دین، که نباید به خاطر پدر و مادر از آن چشم پوشید، چون راه سعادت ابدی است، پس اگر پدر و مادر از آن‌هایی باشند که به خدا رجوع دارند، باید راه آن دو را پیروی کند وگرنه راه غیر آن دو [راه کسانی را] که با خدا انابه دارند ... اگر پدر و مادر با خدا بودند، باید راهشان را پیروی کنی و گرنه اطاعتشان بر تو واجب نیست و باید راه غیر آن دو را یعنی راه کسانی را که با خدا هستند، پیروی نمایی.»^۲

پس اگر پدر و مادر که احسان و اطاعت آن‌ها بعد از مسئله توحید، واجب‌ترین واجبات است (هم‌چنان‌که مسئله عقوق بعد از شرک و زریذین به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است)^۳ به طور یقین در مورد دیگر افراد مثل شوهر هم، مانند پدر و مادر اطاعتشان در اموری که خلاف احکام شرع است و منجر به نافرمانی خدای متعال است، روا نیست.

اصلاً مرد سالم، غیرتش اجازه نمی‌دهد که زن و دختر خود را در برابر دیدگان نامحرمان جلوه دهد و هوسرانان به چشم شهوترانی به آن‌ها بنگرند. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «مردی که غیرت ندارد، قلبش همچون قلب کفار سیاه و تاریک است» در حدیث دیگری است که «هر کسی باید خود و خانواده خود را حفظ کند تا به پرتگاه‌های هلاکت نیفتد.» و یکی از این موارد، مسئله حجاب است که هر کس باید خانواده خود را در این باره حفظ کند و مسئول حجاب آن‌ها باشد و به قول قرآن کریم: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً»^۴ یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتش دوزخ نگاه دارید» که با این تعبیر، غیرت مردم هم معنا می‌یابد.

توجه به این مطلب که قرآن کریم هم در انتهای سوره عنکبوت آیه پانزده، متذکر شده، واقعاً تکان‌دهنده است که در آخر، بازگشت ما به سوی خداست. همین پدر و شوهر و دوست و ... که به خاطر خوش آمد و رضایت آن‌ها، حاضر به انجام هرگونه گناه و مخالفت با خدای منان می‌شویم، بعد از مرگ فقط خداکتر انسان را تا بالای قبرش می‌تواند همراهی کنند و بعد از آن انسان می‌ماند و اعمالش و در آنجا آیا واقعاً این عذر ما را می‌پذیرند که برای اطاعت از پدر یا شوهر، بی‌حجابی و گناه کردیم؟! در حالی که خود خداوند فرموده در احکام شرع فقط باید مرا

سؤال: اگر پدر یا شوهر خانمی از او بخواهد که در جامعه به صورت آرایش کرده و با حجابی غیراسلامی در کنارش حاضر باشد، و اگر زن حرف آنان را عمل کند، آیا باز هم گناه کرده و به خاطرش عذاب می‌شود؟

پاسخ: البته پدر و مادر نسبت به انسان حق عظیمی دارند و خداوند در قرآن کریم بعد از مسئله توحید، احسان به پدر و مادر و نیکی به آن‌ها را مطرح نموده که از مهمترین وظایف فرد مسلمان است. در سوره نساء آیه سی و شش آمده است: «و اعبدوا الله و لاتشکروا به شیئاً و بالوالدین احساناً» یعنی «خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر نیکی و مهربانی کنید.» و اطاعت امر پدر و مادر تا آنجا لازم است که در رساله‌های عملیه آمده است: «اگر پدر و مادر به فرزند خود امر کنند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است، بنابراین احتیاط واجب باید نماز را به جماعت خواند و قصد استحباب نماید.»^۱ و همچنین زن در بعضی از موارد باید از شوهر خود اطاعت کند.

اما هم‌چنان که در آیه کریمه شاهد هستیم، خداوند قبل از دستور به نیکی به والدین، مسئله اطاعت و عبادت خود را بیان نموده است؛ یعنی حق خداوند بالاتر و برتر از حق هرکسی حتی پدر و مادر است. لذا اگر دستور پدر یا مادر و یا حتی شوهر برخلاف فرمان خداوند باشد، بر انسان واجب است که دستور خدا را اطاعت کند و قرآن هم می‌فرماید: «و ان جاهدک علی ان تشکر بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفاً و اتباع سبیل من اناب الی ثم الی مرجعکم فانیکم بما کنتم تعملون»^۲ یعنی «اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خدا که آن را حق نمی‌دانی وادار کنند، در این صورت دیگر امر آن‌ها را اطاعت مکن، ولیکن در دنیا با آن‌ها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه خدا رجوع و انابه‌اش بسیار است، پیروی کن که پس از مرگ رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمالتان آگاه خواهم ساخت.»

شما بگویید که آیه فرموده فقط در شرک اطاعت مکن، ولی آرایش و بدحجابی که شرک نیست؟! علامه طباطبائی (ره) در ترجمه فارسی تفسیرالمیزان در ذیل آیه بیست و سه سوره بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «برگشت تمامی گناهان به شرک است، زیرا اگر انسان، غیر خدا یعنی شیطان‌های جنی و انسی و یا هوای نفس و یا جهل را اطاعت نکند، هرگز اقدام به هیچ

مانا

فاطمه خورشید

حرف اول و آخر!

«تنها یک قدرت است؛ قدرت خدا، پس دل‌سردی نیز وجود ندارد»

«فلورانس اسکالریشن»

لوکوموتیو باش عزیزم!

«سبازی از افراد مانند واگون‌های قطارند آن‌ها با اراده خود نمی‌توانند کاری انجام دهند باید به کار کشانده شوند، تنها عدای انگشت شمارند که مانند لوکوموتیو عمل می‌کنند یعنی می‌توانند با اراده و اختیار خود کار کنند و دیگران را نیز به کار وادارند!»

«هربرت کارسون»

... حالا هرچه قدر هم که سرخودت و ما را شیره بمالی که آقا، قطار داریم تا قطار، واگن داریم تا واگن و ... فایده ندارد اگر بهترین واگن قطار درجه یک سیم‌رغ هم باشی، فایده‌ای ندارد باید لوکوموتیو باشی عزیزم! لوکوموتیو!



یک حساب سیرانگشتی

تا حالا به این فکر کرده‌ای که سال‌های زندگی‌ات صرف چه کارهایی شده؟ چه کارهایی انجام دادی و چه کارهایی مانده که باید انجام بدهی؟ بیا با هم یک حساب سرانگشتی بکنیم:

«گر هفتاد سال عمر کنی، بیست و پنج سال آن را می‌خوانی!»
هشت سال آن را درس می‌خوانی! شش سال آن را استراحت می‌کنی! هفت سال صرف تعطیلات و تفریح می‌شود پنج سال با دیگران صحبت می‌کنی چهار سال آن را غذا می‌خوری و سه سال آن را در رفت و آمد می‌گذرانید.

بنابراین، برای کار مؤثر، «دوازده سال» بیشتر باقی نمی‌ماند؛ چه بهتر که کارهای مهم‌تان را در اولویت قرار دهید؟»

قراضه!

تا حالا به مقوله قراضه! قراضگی، قراضه‌شدن و خیلی از قراضه‌های دیگر فکر کرده‌ای؟ اصلاً تا حالا کسی به تو گفته قراضه؟ ها؟ تعجب کردی؟ تعجب کردن ندار!

«تنها دستگاهی نیستند که قراضه می‌شوند مراقب قراضه شدن عقل خود هم باشید!»

«برمود پتر»

یکی از آن راه‌های نرفته!

آخر یکی نیست بیاید و به این برنامه هزار راه نرفته بگوید که اگر شما به جای اینکه هر شب بنشینید و یکی را سین جیمش کنید یکی از اون هزارتا راه نرفته را جلوی پای ماها بگذارید ممنوتان می‌شویم.

«به یاد داشته باش که یک ازدواج موفق به دو عامل بستگی دارد اول یافتن انسان خوب، دوم انسان خوب بودن!»

«جکسون برلوون»

... بازهم خدا خیرش بدهد این آقای برلوون را که دوتا از این راه‌ها را نشانمان داد حالا نه‌صدا نودو هشت راه دیگر مانند

حرف آخر آخر!

این هم یک نظریه جالب!

زمانی اگر از دانشمندی می‌پرسیند که آیا به خدا ایمان دارد؟ پاسخ می‌داد: «خیر!» من یک دانشمندم! اما امروزه یک دانشمند در پاسخ چنین پرسشی می‌گوید: «البته!» که به خدا ایمان دارم، من یک دانشمندم! «دبلیو وین داید».

